



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۰۴/۰۲

عبدالقیوم میرزاده

## دسیسه دیگر در راه است

خلیل زاد در ادامه تلاشهای توطئه گرانه اش برای استقرار حاکمیت پاکستانی - طالبانی در افغانستان که هم اهداف مداخله امریکا را در منطقه برآورده میسازد و هم منفعت شخصی خودش در آن متصور است این بار کنفرانس ترکیه را رویدست دارد. او در آستانه این کنفرانس به دید و وادید های وسیع دیپلماتیک با مقامات مختلف کشور های اشتراک کننده در این کنفرانس، ملاقات های رسمی و شخصی حتی بسیار محرم و خصوصی با رهبران و نماینده گان تنظیم های جهادی و سایر حلقه بگوشان افغانی اش و مقامات نظامی پاکستان انجام داده و در تلاش وسیع الابعاد است تا به هر وسیله که برایش میسر و ممکن باشد دولت جمهوری اسلامی افغانستان را تحت فشار قرار داده و سعی بر عقب نشینی و انزوای کامل آن دارد.

همزمان با این دید و وادید ها تبلیغات گسترده از جانب رسانه های اجتماعی کشور خاصاً نشرات تلویزیون های داخل کشور در راستای اجلاس (صلح) ترکیه براه انداخته شده است و رُخ همه این تبلیغات تخریب، توطئه و به انزوا کشانیدن دولت را نشانه گرفته است. هر کدام از این تلویزیون ها که چهره نوکر منشی و بیگانه پروری آنها از نشرات شان پیداست، چند سخن پرداز را از میان تنظیم های جهادی و افشار مافیایی اجاره کرده اند و با تبلیغات وسیع چنان غوغایی را برپا کرده اند که گویا در کنفرانس ترکیه مهدی موعود ظهور کرده و با معجزه اش یکشبه صلح در افغانستان تأمین میگردد. از سرتاسر این تبلیغات بازی با کلمات چون صلح، مصالحه ملی، مشارکت ملی و دولت مصالحه ملی نمایان است. البته واضحاً پیداست که همه این تبلیغات دقیقاً از جانب خلیل زاد، پاکستان و مهره های داخلی هر دو جناح بمنظور تحت فشار قرار دادن دولت جمهوری اسلامی افغانستان راه اندازی گردیده است. بدین ترتیب میخواهند ذهنیت مردم را از اصل ماجرای توطئه های خشونت، انتحار، انفجار و حملات وحشیانه بالای مواضع غیر نظامی، ژورنالیستان، اعضای جامعه مدنی منحرف ساخته و توجه شان را به سمتی که گویا رئیس جمهور اشرف غنی بمنظور بقای خویش در قدرت مردم افغانستان را از بهترین و مهمترین امکانات تأمین صلح محروم میسازد، معطوف میدانند و در نتیجه بوسیله چاکر منشان خویش در ملاقات های خصوصی این تبلیغات را از نام مردم، کارشناس، عضو پارلمان و غیر و غیره بگوش رهبران عده از کشورها میروسانند.

در همه این جریان ها و بحث های تلویزیونی کمترین بحث و یا حتی هیچ بحثی در زمینه اصلیت طالب بعامل نمی آید. که طالب کیست؟ چگونه و به چه منظوری از جانب کی و یا کدام کشور ایجاد گردیده است؟ این همه سلاح های پیشرفته، تجهیزات نظامی، ساز و برگ وسیع جنگ چریکی و حملات مستقیم جنگهای تمام عیار، صد ها تن مواد انفجاری، ماین های ضد پرسونل و ضد وسایط و تعلیم و تربیه نظامی از جانب کدام سازمان یا کشور تمویل میگردد؟ و صد ها چرا های دیگر در قبال طالب و نقش پاکستان به مثابه کشور سازماندهنده، تمویل کننده، تجهیز کننده و فرمان دهنده کاملاً مسکوت نگهداشته میشود.

اگر در واقعیت امر معضله افغانستان و این سوال ها بصورت جامعه شناسانه و اکادمیک مورد بحث و مذاقه قرار گیرد این نتیجه حاصل میگردد که هر نوع مذاکره با طالب ضیاع وقت و سراب است زیرا طالب هیچنوع استقلال تشکیلاتی، فکری و لوژستیکی ندارد. آنها گروه های اجیرپاکستانی اند که قلاذه شان محکم در دست های سازمان استخبارات نظامی پاکستان میباشد. بنأ طرف اصلی معضله افغانستان پاکستان است، کلید طالب، جنگ، انفجار، انتحار، بی ثباتی، قاچاق مواد مخدر، استخراج مافیایی معادن همه و همه در دست پاکستان است. گرچه پاکستان در نتیجه پنج دهه مداخله تا سرحد غصب کامل کشور بوسیله مجاهدین و طالبان توانسته سیستم معین تعمیل قدرت بوسیله غلام بچگان دوران جهاد خویش را نیز در داخل سیستم اداره کشور ایجاد کرده و تقریباً همه اجزای این سیستم را هم

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

در درون کشور و هم در جناح طالبان در دست خویش محکم نگهداشته است. اما در هر حالت اگر بخواهیم جنگ، انفجار، انتحار، بی نظمی، بی ثباتی در کشور قطع گردد و یا سایر ابعاد مداخله مهار گردد لازم است تا با پاکستان مذاکره صورت گیرد. نه طالب و یا نوکران داخلی اش.

در شرایط موجود جو جهانی دیده میشود که نفس امریکا در مقابل اقتصاد با عظمت چین به شماره افتیده است. همچنان تلاشها و تقلا بین المللی امریکا - استرالیا برای ایجاد یک پیمان استراتژیک و نظامی زیر نام (کواد) با هند، استرالیا، زیلاند جدید، جاپان و کانادا علیه چین شدت پیدا کرده است. همچنان پاکستان منحصت کشور دارنده سلاح اتمی و مخالف هند که بسیاری از گروه های تروریستی را تحت تعلیم، تربیه، تجهیز و نظارت خویش دارد و در جریان پنج دهه اخیر از تجارب فراوان در امر ایجاد و سازماندهی گروه های تروریستی کسب کرده برای امریکا از اهمیت فراوان برخوردار گردیده است. زیرا سازمان استخبارات مرکزی امریکا CIA بر طبق مشاوره های برژینسکی تا هنوز مصمم است که مؤثرترین و ارزانتترین وسیله فشار علیه اهداف که امریکا آنرا دشمن میپندارد گروه های تروریستی چون طالبان، القاعده، داعش، بوکو حرام، جیش محمد، جنبش اسلامی ترکستان شرقی و غیره میباشد که امریکایان از این گروه ها در اقصا نقاط جهان برای بی ثبات سازی و مزاحمت های نظامی از آنها استفاده مؤثر میکنند و در کشور ما تلاش همه جانبه دارند تا با این کارت علیه اهداف خویش در چین بوسیله اویغور ها استفاده کنند. که این کار در صورت موجودیت یک دولت با ثبات در افغانستان و متعهد به قوانین بین المللی ممکن و میسر نمی باشد.

از این جاست که خلیل زاد خود را به هر در میزند، گاهی قطر، گاهی ماسکو، گاهی ترکیه و گاهی کشور های آسیای میانه و اتحادیه اروپا را سر میزند تا بتواند زیر نام های حکومت مؤقت، دولت انتقالی، دولت اشتراکی انتقالی، دولت مؤقت مصالحه حکومت جهان و مردم و خاصاً سیاسیون ما را بفریبد و نظام موجود را سرنگون کند. تجربه لبنان، عراق، لیبیا، یمن، تقریباً نیمی از کشور های افریقای و تجربه دهه نود قرن بیستم کشور خود ما بما بخوبی می آموزاند که قدرت های بزرگ غرض تحقق اهداف شان نسل ها را قربانی کرده و مدنیت های با شکوه را از ریشه و ازگون ساخته اند و تا این دم هیچ نوع مسئولیت بین المللی، اخلاقی و انسانی در قبال جنایت ضد بشری خویش متقبل نشده اند.

پس همه این تبلیغات در جهت نهادینه ساختن تیوری توطئه زیر نامهای حکومت مؤقت، دولت انتقالی، و دولت انتقالی مصالحه عامدانه سازماندهی شده و هدف غایی سقوط نظام دولت جمهوری اسلامی افغانستان مطمع نظر امریکا، پاکستان، و ابستگان افغانی شان میباشد.

در حال حاضر جای خوشبختی است که اوضاع ملی داخل کشور که اکثریت باشندگان آنرا جوانان تشکیل میدهد در وجود سازمانهای اجتماعی، شورای جوانان، عده از احزاب سیاسی، اجزای متشکله جامعه مدنی، نخبگان زن و سازمانهای صنفی زنان که همه در یک صف مخالف بنیاد گرایی طالب و طالبانیزم میباشد. همچنان اوضاع بین المللی دقیقاً در جهت مخالف نقشه های توطئه گرانه امریکا در قبال کشور ما سمت و سو می یابد. با آنکه در سالهای اخیر روسیه رابطه هایی را با طالبان ایجاد کرده است در تحت همچو احوال بیشترین انتظار امریکا و خاصاً خلیل زاد از مجلس مسکو گرفتن تأییدی برای حاکمیت بنیاد گرایی طالب در افغانستان بود که خوشبختانه این هدف برآورده نشد، چین با تمام اقدامات امریکا در آسیا خاصاً آسیای جنوبی و اطراف در یای چین به نظر شک و تردید میبیند و هرگز با اقدامات سپردن حاکمیت مطلق افغانستان به بنیاد گرا های طالبی همسویی ندارد. جریان کنفرانسهای منطقوی برای ثبات و اجماع منطقوی و نهمین کنفرانس قلب آسیا منعقد شهر دوشنبه تاجکستان بخوبی نشان داد که کشور های اسلامی آسیای میانه همه به نحوی در برابر بنیاد گرایی و تروریزم طالبانی و داعشی آسیب پذیر میباشند و تجارب تلخ سالهای نود را تجربه کرده اند مخالف حاکمیت مطلق طالبان بنیاد گرا و سیطره پاکستان تروریست پرورد افغانستان میباشد. ایران همچنان روسیه در زیر اهداف سیطره جویانه اش در منطقه در پروژه طالبان سرمایه گذاری هایی کرده است اما حاکمیت طالب سنی بنیاد گرتروریست پیشه هیچگاهی با منافع ایران در دراز مدت همخوانی ندارد و از همینجا راه هر دو از هم جدا میگردد، اقتصاد اتحادیه اروپا در تحت محدودیت ها و تعزیرات کرونایی شدیداً صدمه دیده و از طرف دیگر توافق فبروری ۲۰۲۰ امریکا با یک گروه تروریستی بنام طالب که بیست سال قبل برای مبارزه و مقابله با آن جامعه جهانی و منجمله اتحادیه اروپا را با خود کشاند شک و تردید های جدی را در پارلمان اروپا و پارلمانهای کشوری اعضای اتحادیه اروپا در مقابل امریکا ایجاد کرده است، همچنان کشور هایی اروپایی از ناحیه هجوم مهاجرین از سمت های ترکیه، بحیره مدیترانه و کشور های اروپای شرقی آسیب پذیر میباشند که هر نوع بی ثباتی و تشدید جنگهای داخلی در افغانستان سیل مهاجرین را به سمت اروپا گسیل میدارد، این خطر هوشداری بزرگی است تا اروپایان جانب احتیاط را گرفته و برای تحکیم یک حاکمیت با ثبات در افغانستان همکاری کنند.

در همچو اوضاع ملی و بین المللی مردم ما، سیاسیون، نخبه گان و رسانه ها بدانند که نه مذاکرات شروع ناشده دوحه، نه مجلس مسکو، نه کنفرانس ترکیه و نه هیچ مجلسی دیگر درمان درد خامانسوز افغانستان را که ویروس و میکروب آن از پنج دهه بدینسو از پاکستان به کشور ما صادر میگردد دوا نمی کند. دواي درد ما اتحاد، اتفاق، همسویی،

همدلی، همیاری و همکاری مردم میباشد و یگانه راه حل معضل افغانستان اتحاد همه مردم، سیاسیون، جامعه مدنی در کنار دولت و دفاع از حاکمیت ملی، نظام دیموکراتیک، دستاورد های دیموکراسی چون آزادی بیان، تأمین حقوق و آزادی های فردی، آزادی های سیاسی، تأمین حقوق برابر مرد و زن و مشارکت زنان در اداره، سیاست و اقتصاد کشور میباشد تا این حاکمیت ملی با مشروعیت بیشتر طرح های جامع و قابل قبول در قبال تأمین ثبات در منطقه و مسایل تجارت و انتقال مصئون انرژی به همسایگان ارائه کرده و از جایگاه استراتژیک کشور ما به نفع مردم بلا کشیده افغان استفاده مؤثر کند و بدین ترتیب رفاه عمومی بمیان آید و ما در شاهره ترقی گام گذاریم.

طوری که در بالا تذکر دادم هم اکنون همه ظرفیت ها، محل ها و امکانات ملی و بین المللی برای قطع جنگ و تأمین صلح در دسترس میباشد، طالبان منحصیث یک گروه تروریستی آدمکش با وصف تپ و تلاش های خلیل زاد و امریکاییان منزوی تر از هر وقت دیگر شده است، در داخل کشور در میان مردم هیچ جایگاهی ندارند، تنها در ساحاتی که بوسیله امریکاییان مستقر شده اند با زور سر نیزه، ترور و وحشت بر مردم حاکم اند که در صورت اتحاد مردم با یک جهش مردمی میتوان همه را قلع و قمع کرد. آنچه از طلبان فریب خورده افغان که خواهان مشارکت در اداره و قدرت میباشد انسانی ترین، بهترین، بی خطر ترین و مفید ترین راه برای مشارکت در قدرت و اداره کشور از راه های دیموکراتیک شرکت در انتخابات محلی، پارلمانی و رهبری کشور میباشد.